

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

بحث در آیه شریفه «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ»^[1] بود. در مورد این آیه شریفه نکاتی را گفتیم و آخر الأمر عرض کردیم به نظر ما معنای آیه شریفه این است که خدای تبارک و تعالی می‌خواهند بفرمایند اینها دیگر منتظر چیزی نباشند الا اینکه قیامت بغتاً بیاید «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» قبلاً علائم قیامت آمده، اینها اگر فکر می‌کنند که باز برخی دیگر از علائم باید بیایند تا مؤمن شود، نه! تنها چیزی که اینها را مؤمن می‌کند این است که قیامت دفعتاً بیاید و بعد هم می‌فرماید «فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ» آن زمان هم فایده‌ای برای اینها ندارد و عرض کردیم شاید دو سه ترجمه بتوان از این آیه شریفه کرد اما ما مجموعاً به این معنا رسیدیم.

نکته:

نکته این است که از آیه استفاده می‌شود که امور خدای تبارک و تعالی حتی نسبت به قیامت این چنین است که علائم قیامت قبل از او واقع می‌شود یعنی اگر کسی سؤال کند که آیا اشراط الساعة یک امر ضروری است یا به عنوان اینکه خدا می‌خواهد اینها را برای قیامت آماده کند این اشراط الساعة مطرح است، آیا می‌شد اصلاً چیزی به نام اشراط الساعة نداشته باشیم؟ و یک زمانی قیامت دفعهً بیاید و چیزی به نام اشراط الساعة هم در کار نباشد. ظاهر این است که هم به حسب طبیعی و هم روش خدای تبارک و تعالی نسبت به عبادش این چنین است که اگر یک حادثه‌ی خیلی مهمی بخواهد واقع شود علائم او را قبل از آن واقع می‌کند. از اینجا در مورد قضیه‌ی مهدویت می‌توانیم بگوئیم اصل اینکه قبل از ظهور یک علائمی باید باشد در آن تردیدی نیست اما اینکه این علائم کدام درست و کدام نادرست است بحث دیگری است، چون در بعضی از روایات ظهور هم به قیامت تشبیه شده می‌گوئیم این هم یک حادثه‌ی مهمی است، همانطوری که قیامت دارای اشراط است ظهور هم دارای اشراط است. همانطوری که زمان قیامت معلوم نیست زمان ظهور هم معلوم نیست، تشبیه از جهات گوناگون است. پس این «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» به این معنا نیست که جاءت سدفعهً، جاء بلا لزوم، جاء بلا ضرورة، باید برای مردم اشراط بیاید و از خصوصیات پیامبر آخر الزمان (ص) و نبوت آن حضرت از امتیازات امت این حضرت این است که در زمانی هستند که اشراط الساعة برایشان محقق شده که در جلسه گذشته عرض کردیم بر حسب آن روایتی که پیامبر فرمودند از عمر دنیا به یک اندازه‌ی بسیار کمی باقی مانده، نزدیک غروب آفتاب بود که فرمودند اکثر دنیا گذشته و از عمرش به اندازه‌ی کمی باقی مانده، به همین اندازه که تا غروب آفتاب می‌بینید خیلی کم مانده، این نکات را در مورد اشراط از آیه می‌شود استفاده کرد که «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا» به این معنا نیست که همینطوری خود به خود، نه! خدا اشراط را اراده فرموده، یک. اشراط یک امر لازم و ضروری است برای اینکه آن حادثه‌ی بزرگ حادث شود، دو. بعد نتیجه می‌گیریم هر حادثه‌ی مهم دیگری مثل ظهور آن هم محتاج به اشراط است.

حالا آیا از آن تشبیه می‌شود استفاده کرد که اشراف قیامت با اشراف ظهور یکی است؟ بگوئیم همان علائمی که برای قیامت است همان علائم هم برای ظهور است، حالا یک بحث دیگری است که باید در موردش بحث شود.

روایتی در مورد معنای

من اشراف الساعة:

یک روایاتی هست که می‌گوید من اشراف الساعة از علائم قیامت، بعضی از امور را ذکر می‌کنند. اشراف الساعة عن یرفع العلم و یرفع الجهل، از اشراف و علائم قیامت این است که علم برداشته می‌شود «و یشرب الخمر و یفش الزنا» یرفع العلم مراد به نظر ما علم دین است نه علم به نحو مطلق، یعنی جهل به دین زیاد می‌شود و علم به دین کم می‌شود، حالا این ممکن است قبل از ظهور حضرت باشد و بعد از ظهور باز مسئله عکس شود، اما قبل از ظهور که خود ظهور هم یکی از اشراف الساعة است، قبل از ظهور این علائم وجود دارد که علم به دین، و الا مطلق علم که در حال رشد است، علم به دین برداشته می‌شود و جهل به دین زیاد می‌شود، شرب خمر می‌شود و کثرت زنا واقع می‌شود. در آخر این روایت پیامبر می‌فرماید «فهذا معنا جاء اشرافها» یعنی اینها دو تا تعبیر است یک تعبیر این است که می‌گوئیم من اشراف الساعة، کلی است و اصلاً کاری به اشرافها در آیه شریفه ندارد، اما پیامبر می‌فرماید فهذا معنا اشرافها.

روایت را علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خودش نقل کرده^[2] می‌گوید «حدثنی أبی» علی بن ابراهیم عمدتاً از پدرش ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند «عن سلیمان بن مسلم الخشاب» که توثیقی ندارد «عن عبدالله بن جریح مکی» که این هم توثیق ندارد «عن عطاء بن أبی ریح» این هم توثیق ندارد «عن عبدالله بن عباس» که همان است که تلمیذ امیرالمؤمنین و محب امیرالمؤمنین است و در جلالتش تردیدی نیست. «قال حجنا مع رسول الله (ص) حجة وداع» این روایت در حجة الوداع واقع شده، یعنی اگر بگوئیم در حجة الوداع دو مطلب مهم از پیامبر(ص) واقع شده یکی راجع به خطبه‌ی غدیر است و دیگری در مکه درباره اشراف الساعة است. این روایت است درست است از جهت سند توثیق ندارد ولی جرحی هم نسبت به اینها واقع نشده و از آنهایی است که وثوق به صدورش انسان پیدا می‌کند چون مطالبی است که از افراد عادی اصلاً امکان ندارد سر بزند و روی این مبنا که در حجیت خبر وثوق به صدور کفایت می‌کند، وثوق خبری لازم است اما وثوق مخبری لازم نیست این روایت معتبر می‌شود.

«فأخذ بحلقة باب الكعبة» حلقه‌ی در کعبه را گرفتند «ثم أقبل علينا بوجهه فقال» رو کردند به ما فرمودند «أ لا أخبركم بأشراط الساعة» در یک جمعی بودند و گفتند اشراف الساعة را به شما خبر بدهم «و كان أدنى الناس منه يومئذ سلمان رحمة الله عليه» سلمان نزدیکترین مردم به پیامبر بود «فقال بلى يا رسول الله» سلمان عرض کرد بله بفرمایید، «فقال (ص) إن من أشراط القيامة إضاعة الصلوات و اتباع الشهوات، و الميل إلى الأهواء و تعظیم أصحاب المال،» از علائم قیامت این است که مردم نماز را ضایع می‌کنند، حالا اضاعه‌ی صلوات منشأهای مختلفی دارد، از ترک نماز و بی‌اهتمامی نماز گرفته، از عدم وجود شرایط در نماز گرفته، یک جهت اضاعه‌ی صلوات این است که ولایت در آن نیست، نمازی هم که ولایت در آن نباشد نماز نیست! که من همین جا عرض کنم یک وقتی اگر کسی سؤال کرد این روایتی که هست «بنی الاسلام علی خمس الصلاة و الزکوة و الحج و الجهاد»^[3] بعد و ما نوبی بشیء مثل ما نوبی بالولاية و شما معتقدید اگر عملی بدون ولایت باشد باطل است، آیا از قرآن هم می‌توان برایش دلیلی آورد گفتند بله، همین آیه تبلیغ، آیه ابلاغ ولایت «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...»^[4] گفتیم به مفهوم اولویت این است که اگر کسی ولایت نداشته باشد نمازش باطل است، اگر پیامبر اعلام ولایت نمی‌کرد رسالتش کالعدم می‌شد، وقتی رسالت کالعدم می‌شود این واجبات وقتی همراهش ولایت نباشد قطعاً کالعدم است، به طریق اولی کالعدم است، این اضاعه‌ی صلوات یک جهت عمده‌اش این است و جهت دیگرش این است که واقعاً آنچه انسان باید از نماز استفاده کند نمی‌کند! نمازی که باید یاد خدا در انسان مرکوز شود و در دل انسان واقعاً طوری بشود که بعد

از نماز هم یاد خدا قوی‌تر شود نیست! نمازمان که تمام می‌شود گویا اصلاً نماز نخواندیم، این هم یک نوع ضایع کردن نماز است، مصادیق زیادی دارد. تبعیت شهوات، اجمالاً این روایت را بخوانم میل به اهواء، انسان هر روز میل به یک لباسی، میل به یک مقامی، میل به یک ظاهری از مظاهر دنیا دارد این می‌شود هواپرستی و تعظیم اصحاب المال، پولدارها مورد احترام قرار بگیرد «و یبع الدین بالدنیا»، انسان دینش را به دنیا بفروشد، دنیا را بر دین ترجیح بدهد که متأسفانه آدم می‌بیند یک عده‌ای در زمان ما، در گذشته هم بوده و در آینده هم می‌آید، به جای اینکه برای دین حرف بزنند برای دنیا حرف می‌زنند، دین‌فروشی وجود دارد «فعندها ینذوب قلب المؤمن فی جوفه کما ینذاب الملح فی الماء» علائم قیامت زمانی است که مؤمن قلبش در جوفش ذوب می‌شود همانطوری که نمک در آب ذوب می‌شود «مما یری من المنکر فلا یستطیع أن یغیره»، منکر را می‌بیند و نمی‌تواند تغییرش بدهد، همین حالاتی که امروز مؤمنین دارند و منکر را می‌بینیم ولی کار نمی‌توانیم بکنیم. «قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله» سلمان خیلی تعجب کرد و گفت واقعاً چنین چیزی واقع می‌شود؟ «قال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان» پیامبر فرمود بله قسم به آن کسی که جانم به دست اوست واقع می‌شود، این یک قسمت.

دو:

«إن عندها یلیهم أمراء جورۃ و وزراء فسقة، و عرفاء ظلمة» امراء جور عهده‌دار امور مردم می‌شوند، این عرفا مراد عرفای اصطلاحی نیست این عرفای در اینجا یعنی متخصصین، عرفای در اینجا مراد متخصصینی که به جای اینکه تخصص‌شان را در مسیر صحیح امور به کار ببرند در مسیر خلافت به کار می‌برند، عرفای ظلمه مراد این است. «و أمناء خونة»، آنهایی که امین هستند خیانت می‌کنند «فقال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده یا سلمان».

سه:

«إن عندها یكون المنکر معروفا و المعروف منکرا»، از علائم قیامت این است که جای منکر و معروف عوض می‌شود، معروف می‌شود منکر و منکر می‌شود معروف،^[5] «و یؤمن الخائن و یخون الأمين» خائن را به عنوان امین قرار می‌دهند و امین را به عنوان خائن «و ینصدق الکاذب و یکذب الصادق»، آدم دروغگو را تصدیق می‌کنند می‌گویند راست می‌گوید و آدم راستگو را تکذیب می‌کنند که دروغ می‌گوید، «قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده».

قسمت چهارم:

«یا سلمان فعندها تكون إمارة النساء و مشاورۃ الإمام» زن‌ها عهده‌دار امور می‌شوند و کنیزها مورد مشورت قرار می‌گیرند «و قعود الصبیان علی المنابر» خیلی تعبیر عجیبی است، از اشراف الساعه این است که صبیان، مراد این بچه‌های کم سن و سال نیست یعنی آنهایی که به بلوغ علمی کافی نرسیدند روی منبر می‌نشینند و می‌خواهند دین را بیان کنند، «و یكون الکذب طرفا» این را خوب دقت کنید بعضی نسخه‌ها ظرفاً نوشته، ظرفاً نوشته، طُرف یعنی یک سخن قابل توجه، یعنی آنکه دروغ می‌گوید حرفش بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، آنکه راست می‌گوید حرفش مورد توجه قرار نمی‌گیرد ولی آنکه دروغ می‌گوید حرفش بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، «و الزکاة مغرما» می‌گویند زکات خسارت است «و الفیء مغنما» بیت المال را به عنوان غنیمت چپاول می‌کنند، آنچه امروز در جامعه ما زیاد اتفاق می‌افتد! و واقعاً یک روزی تاریخ بررسی خواهد کرد که چه حیف و میل‌ها، بی‌قانونی‌هایی که در زمان ما سبب شده که سرمایه‌های این ملت به باد برود و آنهایی که اهلش هستند دارند خون دل می‌خورند و می‌فهمند چه می‌شود؟^[6]

«و یجفو الرجل والديه» از علائم قیامت این است که انسان به پدر و مادرش جفا می‌کند، اما «و یر صدیقه»، به رفیقش نیکی

می‌کند، به پدر و مادرش جفا می‌کند « و یطلع الکوکب المذنب، » ستاره‌ی دنباله‌دار طلوع می‌کند، اصلاً منجمین هم آن ستاره‌های دنباله‌دار را به عنوان ستاره‌های نحس و از چیزهایی که علائم نحس است مطرح می‌کنند، منجمین هند گفتند هشتاد نوع ستاره‌ی دنباله‌دار داریم که هر کدام منشأ یک نوع بدبختی است، یکیش منشأ زلزله، یکی منشأ مریضی، منشأهای مختلفی برایش هست، قتل و جنگ و خونریزی است. «قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال(ص) إي و الذي نفسي بیده»، «یا سلمان و عندها تشارك المرأة زوجها في التجارة». ، زن با شوهرش در تجارت شریک می‌شود «و يكون المطر قيظا و یغیظ الکرام غیظا» یعنی باران نمی‌بارد مگر در تابستان که باران در تابستان برای کشاورزی به درد نمی‌خورد! و یقیض الکرام غیضا، کرام یعنی آنهایی که کریم الطبع هستند خشمگین می‌شوند با غیض با مردم برخورد می‌کنند «و یحتقر الرجل المعسر» رجلی که دستش خالی است پس شمرده می‌شود «فعندها تقارب الأسواق» اصواق به هم نزدیک می‌شوند دکان‌ها به هم متصل شده، در زمان قدیم جدا بود اما حالا این چنین است «إذ قال هذا لم أبع شیئا و قال هذا لم أربح شیئا» دکان‌دارها می‌گویند من امروز چیزی نفروختم و سودی نکردم «فلا ترى إلا ذاما لله» همه‌شان دارند مزمت خدا می‌کنند که این چه کسبی است « قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال(ص) إي و الذي نفسي بیده».

عرض کردم از این اشراط الساعة نکات خوبی می‌توان درآورد یک نکته‌اش این است که آیا می‌توانیم بگوئیم این با اشراط ظهور هم قریب است، یکی است یا اینکه باید اینها مختلف باشد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] - محمد/18.

[2] - جلد دوم صفحه 303: «فإنه حدثني أبي عن سليمان بن مسلم الخشاب عن عبد الله بن جريح المكي عن عطاء بن أبي رباح عن عبد الله بن عباس قال حججنا مع رسول الله ص حجة الوداع فأخذ بحلقة باب الكعبة ثم أقبل علينا بوجهه فقال أ لا أخبركم بأشراط الساعة و كان أدنى الناس منه يومئذ سلمان رحمة الله عليه، فقال بلى یا رسول الله فقال ص إن من أشراط القيامة إضاعة الصلوات و اتباع الشهوات، و الميل إلى الأهواء و تعظیم أصحاب المال، و بيع الدين بالدنيا، فعندها يذوب قلب المؤمن في جوفه كما يذاب الملح في الماء مما يرى من المنكر فلا يستطيع أن یغیره، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان إن عندها يليهم أمراء جور و وزراء فسقة، و عرفاء ظلمة، و أمناء خونة، فقال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده یا سلمان إن عندها يكون المنكر معروفا و المعروف منكرا و يؤتمن الخائن و يخون الأمين و يصدق الكاذب و يكذب الصادق، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده. یا سلمان فعندها تكون إمارة النساء و مشاورة الإماء و قعود الصبيان على المنابر و يكون الكذب طرفا و الزكاة مغرما و الفيء مغنما و يجفو الرجل والديه و یر صديقه، و یطلع الکوکب المذنب، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان و عندها تشارك المرأة زوجها في التجارة و يكون المطر قيظا و یغیظ الکرام غیظا و یحتقر الرجل المعسر فعندها تقارب الأسواق إذ قال هذا لم أبع شیئا و قال هذا لم أربح شیئا فلا ترى إلا ذاما لله، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده. یا سلمان فعندها يليهم أقوام إن تكلموا قتلوهم و إن سكتوا استباحوا حقهم لیستأثرون أنفسهم بفيئهم و لیطئون حرمتهم و لیسفكن دماءهم و لیملأن قلوبهم دغلا و رعبا، فلا تراهم إلا و جلین خائفین مرعوبین مرهوبین، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده، یا سلمان إن عندها یؤتی بشيء من المشرق و شيء من المغرب یلون أمتي، فالویل لضعفاء أمتي منهم و الویل لهم من الله، لا یرحمون صغیرا و لا یوقرون کبیرا و لا یتجاوزون من مسيء جثتهم جثة الآدمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان و عندها یکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یغار علی الغلمان كما یغار علی الجارية فی بیت أهلها و تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و لتركبن نوات الفروج السروج فعلیهن من أمتي لعنة الله، قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله فقال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان إن عندها تزخرف المساجد كما تزخرف البیع و الكنائس و تحلی المصاحف، و تطول المنارات و تكثر الصفوف بقلوب

متباغضة و ألسن مختلفة. قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال إي و الذي نفسي بيده و عندها تحلى ذكور أمتي بالذهب و يلبسون الحرير و الديباج و يتخذون جلود النمر صفاً قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال إي و الذي نفسي بيده يا سلمان. و عندها يظهر الربا و يتعاملون بالعينة و الرشى و يوضع الدين و ترفع الدنيا، قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال إي و الذي نفسي بيده يا سلمان و عندها يكثر الطلاق، فلا يقام لله حد و لن يضروا الله شيئاً قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال إي و الذي نفسي بيده يا سلمان و عندها تظهر القينات و المعازف و يليهم أشرار أمتي، قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بيده يا سلمان و عندها تحج أغنياء أمتي للنزهة و تحج أوساطها للتجارة و تحج فقراؤهم للرياء و السمعة فعندها يكون أقوام يتعلمون القرآن لغير الله و يتخذونه مزامير، و يكون أقوام يتفقهون لغير الله و تكثر أولاد الزنا، و يتغنون بالقرآن، و يتهافتون بالدنيا قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بيده. يا سلمان ذاك إذا انتهكت المحارم، و اكتسبت المآثم، و تسلط الأشرار على الأخيار، و يفشو الكذب و تظهر اللجاجة، و تغشو الفاقة و يتباهون في اللباس و يمتطرون في غير أوان المطر، و يستحسنون الكوبة و المعازف و ينكرون الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر حتى يكون المؤمن في ذلك الزمان أذل من الأمة و يظهر قراؤهم و عبادهم فيما بينهم التلاوم، فأولئك يدعون في ملكوت السماوات الأرجاس و الأنجاس، قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله فقال إي و الذي نفسي بيده، يا سلمان فعندها لا يحض الغني على الفقير حتى أن السائل يسأل فيما بين الجمعيتين لا يصيب أحدا يضع في كفه شيئاً قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بيده يا سلمان عندها يتكلم الروبيضة، فقال و ما الروبيضة يا رسول الله فذاك أبي و أمي قال ص يتكلم في أمر العامة من لم يكن يتكلم فلم يلبثوا إلا قليلاً حتى تخور الأرض خورة فلا يظن كل قوم إلا أنها خارت في ناحيتهم فيمكنون ما شاء الله ثم ينكتون في مكثهم فتلقى لهم الأرض أفلاذ كبدها ذهباً و فضة ثم أوماً بيده إلى الأساطين فقال مثل هذا فيومئذ لا ينفع ذهب و لا فضة؛ فهذا معنى قوله فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا.»

[3] - عن الباقر(ع): کافی ، ج 2، ص 17.

[4] - مائده/67

[5] - یک کسی دیروز به من زنگ زد گفت یک کسی از حوزوی‌ها صحبتی کرده و گفته حجاب از مصادیق معروف نیست، شما این را قبول داری؟ من خیلی تعجب کردم گفتم بعید می‌دانم یک طلبه‌ی حوزوی این حرف را بزند، حجاب یکی از احکام ضروری اسلام است، احکام الهی حتی مباهاتش به عنوان حکم خدا معروف است، تا چه برسد به واجباتش، چه برسد به ضروریاتش، ولی گفت چنین تعبیری کرده که در همین روایت یک نکته‌ی عجیبی دارد که می‌گوید از علائم قیامت این است که يتفقهون لغير الله، که برسیم توضیح می‌دهم.

[6] - دیروز در روزنامه نوشته بودند که 45 میلیون دلار عروسک وارد ایران کردند، یعنی تقریباً به دلار امروز که حساب کنند چیزی حدود صد میلیارد تومان می‌شود. تمام شهریه‌های مراجع را برای یک سال که جمع کنند شاید نصف این هم نمی‌رسد! من به یکی از افرادی که در امور وارد بود گفتم اینها را با همین دلار 1260 تومان می‌گیرند، مگر صاحب ندارد و بررسی نمی‌شود؟ به من گفت آقای فاضل این در مقابل تاراج‌هایی که از بیت المال می‌شود صفر است، گفت ما می‌دانیم که چه خبر است و چطور سرمایه‌های کشور از بین می‌رود؟ کشوری که قانون در آن حاکم نباشد، ببائیم در سخنرانی بگوئیم قانون حرف اول را می‌زند، پس چرا عمل نمی‌کنید؟ پس چرا مجلس می‌گوید موارد تخلف از بودجه الی ماشاء الله وجود دارد، پس چرا رئیس دیوان محاسبات کشور می‌گوید این کشور دخل و خرجش معلوم نیست، صریح این را بیان کرده و چیزی نیست که پشت پرده باشد. « و الفیء مغنما » است، ما نمی‌گوئیم اشخاص برای شخص خودشان، ولی به قول یک آقای می‌گفت کاش برای شخص خودشان برمی‌داشتند به اندازه‌ای که خودشان سیر شوند، ولی وقتی که ندانم کاری این پول را در یک مسیری قرار بدهد که معلوم نیست این به نفع ملت است یا نه؟ واقعاً داستان‌های عجیبی است. چند شب پیش تلویزیون نقل می‌کرد یک کسی می‌گفت رفتم آمار ماشین‌های پانصد، ششصد میلیونی که به کشور وارد می‌شود را درآوردیم، تماش با دلارهای هزار و دویست تومانی وارد می‌شود، این پولها دست چه کسی است؟ از تلویزیون هم دارند پخش می‌کنند و چیزی نیست که سرپوش روی آن بگذاریم.